

جنگ افغانستان مطلقاً امریکایی میشود؟!!

شایعات درین رابطه که ادارهٔ باراک اوباما توقعات و خواسته های جنرال مک کرایستال را عملی میسازد، اکنون به رئیس جمهور ایالات متحدهٔ امریکا و انتصاب مجدد دستیارافغانی اش در افغانستان آقای حامد کرزی که "تازه" به اهمیت مبارزه با فساد اداری آگاهی حاصل نموده و میخواهد آنرا از فرا راه مردم افغانستان "بروبد"، رابطهٔ مشخص دیالکتیک دارد. بدینوسیله آقای کرزی مصروف آنست تا همه جنایاتی را که در حق مردم بلا کشیده و مظلوم افغانستان روا داشته است، به نحوی از انحاء وارونه جلوه داده و حلقات معینی را در خارج و داخل دولتوارهٔ افغانستان و حلقهٔ طرفداران خود به باد انتقاد و قصور گیرد.

در درازای هشت سال گذشته شاهد "فراز و نشیب هائی در شیوهٔ کار" اضافه از چهل کشور جهان سرمایه و زور در افغانستان بودیم. حتی پرورش یافته های دست خودشان امروز به ایشان صادق نبوده و "اطاعت" نمی کنند. وضع در داخل پاکستان و نوار سرحدی با افغانستان "کاملاً متشنج" است و حکومت مرکزی پاکستان قادر به مهار کردن آن نیست. "بهترین جنگجویان طالب" به صفحات شمال افغانستان و از آنجا به محلات امن انتقال میشوند. در ایران به حملات انتحاری آغاز نهاده و اولین حمله را چندی قبل در استان سیستان آنکشور انجام دادند. زمینه هائی را برای ورود انارشی و بی ثباتی در تمام منطقه و حتی فرا تر از آن در حواشی خارج از منطقه فراهم آورده اند.

چه کسی غیر از آقای کرزی میتواند این خوش خدمتی ها را برای حامیانش انجام دهد و در مقابل حتی مقدسات مردم را زیر پا گذارد و گاه زجه و ناله سر دهد و گاهی هم تاخت و تاز نمایشی بر قوای ایساف کند و زمانی هم مراتب "عمیق تسلیت" خویش را به آسیب رسیده گان و سوگواران ابراز دارد.

آنچه را که جورج دبلیو بووش جمهوریخواه بنیاد گذاشت و بعد از ختم مأموریت دو دوره یی اش بمتابئهٔ بدترین رئیس جمهور به آقای باراک اوباما از حزب دموکرات غرض اجراآت بعدی واگذار شد، همین جملات زیر کافیتست که:

خم خم رفتن صیادِ زمان که بحیث اولین رئیس جمهور قهوه ئی پوست امریکا زمام امور را بدست میگیرد، با اظهارات دماغ‌وزیک خویش روزنه را بروی سرمایه مکار می‌گشاید. بلافاصله به صفت کاندید و برندهٔ جایزهٔ نو بل صلح شناخته میشود. می‌خواهد به " ایجاد " دیالوگ با جهان اسلام پردازد. متمایل است زندان مخوف گوانتانامو را مسدود سازد.

اینک که نقاب‌ها دریده شد و آقای اوباما در پهلوی آنکه بودجهٔ ۸۱۰ میلیارد دلاری نظامی را که ۶۸۰ میلیارد آن برای مقاصد دفاع و ۱۳۰ میلیارد آن برای مصارف جنگ عراق و افغانستان اختصاص داده شده است توشیح نمود. موصوف می‌خواهد تا مسألهٔ بیمهٔ صحی سراسری را بمثابهٔ داروی تسکین دهنده روی زخم‌های عدیدهٔ مردم امریکا بگذارد و زمینه‌های شکایات مردم را در سطح پائین نگهدارد، اما این مطلب سابقهٔ خیلی طولانی دارد که حکومت‌های پیشین امریکا در شرایط عادی قادر به تعمیم آن نبود. بدین ترتیب یکبار دیگر ماهیت اصلی نیولیبرالیزم سرمایه داری آشکار میگردد که همانا یکه تازی، برتری نظامی و تسخیر بازارهای جهانی یکی از خصلت‌های انکار ناپذیر آن است.

آقای اوباما با اتخاذ مکث نسبتاً طولانی در میانه راه داغترین حوادث در افغانستان بخاطر آنکه بتواند کاندید دلخواهش را به انتصاب مشرف سازد از همه واقیعت‌ها طفره رفت تا اینکه دستیار مورد اعتمادش آقای بان کی- موون سرمنشی سازمان ملل متحد، بدون در نظر داشت قوانین و ارادهٔ مردم افغانستان به آن نقطه پایان گذاشت. ولی همدریف با آن ادارهٔ اوباما در واقیعت منتظر آن بود که چه زمانی میتواند طور مکرر بالای کشور های اروپای غربی عضو ناتو- با استفاده از ترمینولوژی هائی چون اروپای سابق و انتقاداتی در زمینهٔ افزایش کمی قطعات این کشورها، عملی کردن بمباردها و بعداً عدم صحت تصمیم، خزیدن در مناطق امن شمال و عدم شرکت در عملیات های محاربوی ولایات جنوب و غیره- راهگشائی به مقام یکه تازی را وسیله شود و بالای سائر کشورها خواسته های خویش را تحمیل نماید.

حال طوریکه مشاهده میشود امریکا در توأمیت با انگلیسها بمنظور تطبیق ستراتیژی دیر پای شان مصمم اند در افغانستان باقی بمانند تا برای برآورده شدن خواسته های شان به افرادی چون حامد کرزی توصل جسته و زمینه های فعالیت های بعدی نظامی شانرا متراکم و متمرکزتر سازند.